

کرامات رضویه

معجزات امام هشتم

جلد اول

تالیف

ثقة الاسلام آقای حاج شیخ علی بن محمد اسحاق



انتشارات ولایت

سرشناسه: مروج الاسلام، علی اکبر
عنوان و نام پدید آور: کرامات رضویه معجزات امام هشتم علیه السلام / علی اکبر مروج الاسلام.

مشخصات نشر: مشهد: ولایت، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۷۰۴ ص.

شابک ج ۱: ۴۰ - ۶۱۷۲ - ۹۶۴ - ۹۷۸

شابک ج ۲: ۸ - ۴۱ - ۶۱۷۲ - ۹۶۴ - ۹۷۸

شابک دوره: ۵ - ۴۲ - ۶۱۷۲ - ۹۶۴ - ۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: چاپ ششم.

یادداشت کتابخانه: ص. [ج ۱: ۳۸۹ - ۳۹۲] [ج ۲: ۶۹۴ - ۶۹۷].

موضوع: حج و عمره، کرامات، رضویه معجزات امام هشتم علیه السلام، ۱۴۸ - ۲۰۳ ق. - کرامت‌ها
موضوع: حضرت علی بن موسی علیه السلام، ۱۴۸ - ۲۰۳ ق. - سرگذشتنامه

رده بندی بنگره: ۶۴ / ۴ / ۶۲ / ۹۵۳۷

رده بندی دیوید: ۹۵۳۷ / ۶۲ / ۴ / ۶۴

ولایت

انتشارات ولایت

نام کتاب: کرامات رضویه معجزات امام هشتم علیه السلام

مؤلف: شیخ علی اکبر مروج الاسلام

ناشر: انتشارات ولایت

چاپ: چاپخانه آستان قدس رضوی

نوبت چاپ: ششم

تیراژ: ۳۰۰۰ جلد

شابک ج ۱: ۴۰ - ۶۱۷۲ - ۹۶۴ - ۹۷۸

شابک ج ۲: ۸ - ۴۱ - ۶۱۷۲ - ۹۶۴ - ۹۷۸

شابک دوره: ۵ - ۴۲ - ۶۱۷۲ - ۹۶۴ - ۹۷۸

مرکز بخش:

نشر ولایت: ۰۹۱۵۱۵۷۶۰۰۳ - ۰۹۱۵۱۱۳۱۹۴۶

حق چاپ محفوظ و مخصوص ناشر است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله بصلوة والسلام على نبيتنا محمد رسول الله و آله آل الله سيما على
خازن العلوم والآثار و ثامن لائمة الاخيار و عاشر المعصومين الاطهار غوث الوري و
علم التقي و بدر الدجى و شمس الضمى و نور الهدى مولانا ابى الحسن على بن موسى الرضا
عليه و على آباءه الطاهرين و ابناء المطهرين آلف التحية و الثناء و اللعن على اعدائهم
الاشقياء الى يوم اللقاء.

اما بعد: به عرض برادران دينى مى رساند به اين احقر انام على اكبر ابن غلامعلى
عفا الله عن جرمهما الخفى و الجلى، كه چون بعض از احبار روحانى و اخلاء ايمانى به من
فرمود كه چون خدای منان بر تو منت نهاده است به مجبورت خير شريف امام هشتم
حضرت رضا عليه السلام و عمرى در دربار فيض آثار آن بزرگوار به سر بهمان در زمرة خدام
آستان قدس ملك پاسبان آن حضرت مى باشى شايسته و سزاوار استكراماتى را كه در
زمان خود از آن سرور بروز کرده و خود و ديگران بر آنها مطلع شده اى و شده اند جمع آورى
كرده در دسترس دوستان بگذارى تا دلهاشان به معرفت امامشان روشن تر و ارادت و
اخلاصشان بيستر و اعتقادشان به ساحت قدس آن ولى الله اعظم زيادتر و محكم تر شود
و بيگانگان بخوانند و بر اثر مطالعه دقيقانه و قضاوت عادلانه، به مذهب جعفرى اعتقاد
نمايند و سر تعظيم در پيشگاه دين مقدس اسلام فرود آورند و بدانند كه پيشوايان ما

شیعہ اثنی عشری (أَخِيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ) ^(۱) حیات و ممات ایشان یکسان است و با اینکه یا به شمشیر یا به زهر شهید شده‌اند و از دنیا رحلت فرموده‌اند مع ذلک چشم بینا و گوش شنوا دارند که می‌بینند و می‌شنوند بلکه از ضمائر و دلها باخبرند و نظر مرحمت به دوستان و متوسلین خود دارند و به اعجاز، دردهای بی‌درمان و با درمان، را درمان می‌نمایند و مشکلات را آسان می‌گردانند و امور زندگی و شئون حیات روحانی ایشان را مقرون به مراد و مصلحت می‌سازند.

پس حقیر اجابت امر آن بعض دوستان نموده و بعض کرامات آن حضرت را که در زمان اتفاق افتاده و جمع بسیاری بر آنها مطلع شده‌اند جمع‌آوری کردم به انضمام بعض کرامات قبل از زمان ما از کتب معتبره و این مجموعه را به **کرامات رضویہ** نام نهادم و امیدوارم مورد نظر مبارک آن امام رئوف علیه السلام واقع شود و مرا از خدام روضه سنیة علیة خود محسوب فرماید. این سبب مرا به لطف عمیم خود قبول نماید، پس به این دو بیت شاعر مترنم می‌شوم:

أَرْسَلَ النَّفْلُ مِنْ خُلُوصِ وِدَادٍ لَسَلَيْمَانَ نِصْفَ رَجُلٍ جَزَائِدِ
قَائِلًا ذَاكَ مُتْتَهِي جُهْدِي هَدَايَا بِقَدْرِ مَنْ يُهْدِي

و نیز می‌گویم این بیت را که از قصیده معروفه به برد است در مدح رسول اکرم صلی الله علیه و آله
خَاشَاءُ أَنْ يُخْرِمَ الزَّاجِي مَكَارِمَهُ أَوْ يَرْجِعَ "بَارِبِنَهُ غَيْرَ مُخْتَرِمِ"
و خواهشمندم از دوستان آن سرور، حقیر را به دعای خیر در کرامات یاد نمایند و هرگاه سهو و اشتباهی بیابند چشم‌پوشی و اصلاح فرمایند.

شعر

إِنْ تَجِدَ عَيِّبًا فَسُدَّ الْخَلَالَ جَلَّ مَنْ لَاعَيْنَبَ فِيهِ وَعَلَا
هر عیب که بینی تو به اصلاح آور بر عیب نظر مکن که بی عیب خداست

وَمَا أَبْرَأُ نَفْسِي إِنِّي بَشَرٌ أَشْهُو وَأَخْطَأُ مَا لَمْ يَحْمِنِي قَدْرٌ

ناگفته نماند که الطاف جلیه و خفیه و مرحمت‌های ظاهریه و باطنیه و معنویه حضرت رضای علیه السلام به مجاورین و زائرین و هم به دوستانی که غائبند از حضور قبر شریفش بسیار و لاتعد و لاتحصی است و پیوسته روز و شب نظر لطف آن حضرت شامل دوستانش می‌شود و حاجاتشان برآورده می‌گردد و به مقاصد خود می‌رسند.

اگرچه ما بر آنها مطلع نیستیم و بر ما پوشیده است و حقیر به قدری قضایا و حکایات از مرحمت آن حضرت از دوستان خود شنیده‌ام که هرگاه قرار بود نوشته شود کتابهای چند نوشته می‌شد. بکن این کراماتی را که مادرچ می‌نمائیم این کراماتی است که آشکار شده و جماعت بسیاری بر آنها خبردار شده‌اند و مناسب است در اینجا این چند بیت از قصیده سنائی ذکر شود که گفته است:

دین را حرمی است در خاندان	دشوار تو را به محشر آسان
از معجزه‌های شرع احد	وز عجزهای دین یزدان
همواره رهش مسیر حاجات	پیوسته درش مشیر غفران
از خاتم انبیا در او تن	وز احد اوصیا در او جان
از جمله شرط‌های توحید	وز حاصل صل‌های ایمان
مهرش سبب نجات و توفیق	کینش مدد هر آفت و خذلان ^(۱)

۱- سنائی علیه‌الرحمه ابوالمجد مجدود بن آدم غزنوی است که عارفی حکیم و شیعی مذهب و از ارادتمندان اهل بیت علیهم السلام بوده لکن با از طریق تقیه بیرون نمی‌نهاد و شاهد بر این معنی قصیده مفصله او است که در کتاب مجالس المؤمنین در ذکر احوال او مسطور است از جمله می‌فرماید:

چون همی دانی که شهر علم را حیدر در است خوب نبود غیر حیدر میر و مهتر داشتن
تا اینکه می‌گوید:

حق زهرا بردن و دین پیمبر داشتن

مر مراباری نکو ناید ز روی اعتقاد

الغ و نیز از او است:

اعتذار مؤلف

گرچه این کتاب در ذکر مصیبت و مرثیه نیست لکن چون بعضی از دوستان خواهش نمودند که در هر مقام که مناسب باشد اشاره‌ای به ذکر مصیبت بشود لذا امثال نموده در بعض موارد گریزی به مصیبت و چند بیتی در مرثیه ذکر می‌شود (والعذر عند کرام الناس مقبول) ناگفته نماند که چون این کتاب در سنه ۱۳۸۱ ق منتشر شد و از جهت حسن استقبال علاقه‌مندان به حضرت رضاعلیه‌السلام کمیاب و از شهرهای دور و نزدیک طالبان آن بسیار شدند و از این جهت بنای تجدید چاپ شد و از آنجایی که حقیر اضافاتی چند از کرامات و مطالب دیگر در چاپ اول نموده بودم و تمام آن بر حجم کتاب می‌افزود لذا آنرا در دو جلد قرار دادم.

جلد اول مشتمل است بر یک مقدمه و شش فصل و خاتمه بدین ترتیب:

فصل اول در ولادت حضرت رضاعلیه‌السلام و بخت‌گیری از زندگانی آن بزرگوار تا شهادت.

فصل دوم در بعض کرامات در زمان دبا تعیین تاریخ از کتاب آیات الرضویه.

فصل سوم در ذکر بعض کرامات در عصر ما در آن چه از آیات الرضویه نقل شده.

فصل چهارم در بیان بعض معجزات که در حدود دو بیست سال قبل روی داده.

فصل پنجم در ذکر معجزات و کرامات چندی است نقل شده از کتب معتبره.

فصل ششم در بیان ده کرامت از کتاب عیون اخبار الرضا.

که از او و سه کس او به پیمبر چه رسید

مادر او جگر عم پیمبر بمکید

پسر او سر فرزند پیمبر ببرید

لعن الله یزیداً و علی آل یزید

داستان پسر هند مگر نشیدی

پدر او دُر دندان پیمبر بشکست

خود بنا حق، حق داماد پیمبر بگرفت

بر چنین قوم تو لعنت نکنی شرمت باد

در سال وفاتش اختلاف است آنچه مسلم است در سده ششم بوده است و بعضی ماده تاریخ وفاتش

را چنین گفته: زهی گل جنت، ۵۲۵.

خاتمه در نقل دو حکایت زائر حضرت رضا علیه السلام است یکی در زمان حضرت هادی علیه السلام و دیگری در قریب به زمان ما.

جلد دوم آن نیز مشتمل است بر یک مقدمه در ذکر چند سؤال و جواب و شش فصل و خاتمه بدین ترتیب:

فصل اول در حکایاتی چند که از آنها استفاده می شود مرحمت و عنایت حضرت رضا علیه السلام نسبت به زائرین خود.

فصل دوم در ذکر خوابهایی که دلالت دارد بر عنایات آن سرور به مدفونین در جوار خود.

فصل سوم در کرره ای تم چند در فضیلت زیارت آن حضرت.

فصل چهارم در احادیثی که علاوه بر اینکه ذکر فضیلت زیارت شده تصریح به شهادت نیز شده.

فصل پنجم در ذکر بعض آداب زیارت و تذکره پاره‌ای از آن چه سزاوار است در حرم مطهر بجای آورده شود.

فصل ششم در ذکر احوال دعبل و ابی‌نواس که در زیارت آن حضرت شعر خوانده و مورد عنایت آن بزرگوار واقع شده‌اند.

و اما خاتمه در ذکر قصیده شریفه‌ای از خود حضرت رضا علیه السلام در جواب آن نظماً.
بالجملة مقدمه این جلد اول، در بیان معنی لغوی و اصطلاح اهل ادب از اعجاز و تاء آن برای مبالغه است چنانکه به شخص بسیار طغیان کننده طاغیة می گویند و به مرد بسیار دانا علامه می گویند و جمع معجزه معجزات است. و معنی اعجاز به فارسی ناتوان کردن است یعنی کسی سخنی بگوید یا اینکه عملی بکند که هر کسی نتواند چنان سخنی بگوید یا مثل آن عمل عملی انجام دهد.

پس معجزه به معنی لغوی یعنی ناتوان کننده و ما نظر به معنی لغوی می یابیم امور بسیاری که از بعض اشخاص و افراد ظاهر می شود که اشخاص دیگر مانند آنها را

نمی‌توانند بیاورند و عاجز و ناتوانند از انجام آن امور. پس هر یک از آن امور به معنی لغوی معجزه است نه به معنی اصطلاحی که بعداً ذکر می‌شود، و در اینجا برای وضوح مطلب چند چیز از آن امور که سبب عجز و ناتوانی دیگران می‌شود ذکر می‌شود:

۱- سحر، و آن در فارسی به معنی جادویی و افسون است به عبارت آخری نمایش دادن باطل است به صورت حق، چنانکه در کتاب المفردات^(۱) فی غریب القرآن گفته است: السحر ما يقع بخداع و تخيلات لا حقيقة لها نحو ما يفعل المشعبد من صرف الابصار عما يتعاطا بخلق يده و الى ذلك الاشارة بقوله تعالى (يُخَيَّلُ الْيَوْمَ مِنْ سِحْرِ هُمْ أَنَّهَا تَشْعِنُ) و قوله (سَحَرُوا اَعْيُنَ النَّاسِ) الخ؛ و حاصل آن همان نمایش باطل است به صورت حق.

۲- کهنات در جمع السحرین است: الكهانة بالكسر عمل يوجب طاعة بعض الجن له فيما يامر به و هو تربيب بن السحر او اخص منه.

۳- تسخیر، مثل اینکه در جرمد می‌گیرد و خبر می‌دهد.

۴- استعمال بعض دواهای سحری یا بیات که آثار غریبه‌ای از استعمال آنها ظاهر می‌شود مثل اینکه روغنی است که هر کس به آن تدهین نماید آهن در او اثر نمی‌کند یا اینکه آتش او را نمی‌سوزاند و غیر ذلک.

۵- خوراندن دوائی که موجب شود تصرف در حواس سحری یا اشخاصی مثل اینکه یک فنجان چای که در آن دوائی داخل کرده، بخورد کسی دوا آن تصرف در حواس او کند، و امور عجیب به نظرش جلوه نماید.

۶- به واسطه علم رمل یا جفر یا نجوم یا فراست یا شانه بینی یا کف بینی یا قیافه، خبری می‌دهد.

۱- این کتاب تألیف حسین بن محمد بن مفضل معروف به راغب اصفهانی است که از اکابر علماء عامه و شافعی مذهب بوده و هر چند بعضی نسبت تشیع به او داده‌اند واللہ العالم. در هر حال این کتاب از کتب نفیسه است و تألیفات دیگر نیز داشته و وفاتش بعد از پانصد بوده.

۷- بعض تعویذات و منترها و العیاذ بالله عملهای کفریه که سبب می شود چیزی بگوید و کاری بکند که دیگران عاجزند.

۸- ریاضات باطله و مشقات نفسانیه که برخلاف شرع انور باشد، مانند ریاضات باطله کفره هنود که حکایاتی چند از خبر دادنهای ایشان نقل شده است، پس کسی که حق شناس و سالک الی الله است نباید فریب بخورد از کشفیاتی که از کفار و جوکیهای هند بروز نموده و می نماید و گمان نکند که آن کشفیات کرامت و معجزه است.

شعر

حَلَّيْتِي فُحَاغَ الطَّرِيقِ إِلَى الْجَنِيِّ كَثِيرٌ وَ أَمَّا الْوَاصِلُونَ قَلِيلٌ

۹- نمایشهای عجیبهایی که به واسطه زیرکی و تردستی است که شعبده بازان و حقه بازان دارند که بعضی مردم آن تعجب به چشم بندگی می کنند و آن دروغی است که به صورت راست جلوه می کند و غیر واقعی است که واقع می نماید.

۱۰- اعمال اشکال هندسه که گویان این قیل است جز انتقال، بلکه از امور غریبه و عجیبه است بعض صنایع این دوره و عصر صر ما که اگر در خواب می دیدیم و یا در بیداری می شنیدیم تعجب می کردیم و تصدیق نمی کردیم و حال مشاهده می نمائیم، مانند برق، هواپیما، تلفن و رادیو که از هزار فرسخ مثلاً کسی سنج می گوید یا خوانندگی می کند و مادر اینجاست شنویم. بلکه بالاتر و عجیب تر آلتی است که آن را المویزیون گویند و هرگاه کسی با آن طرف آشنا باشد صدای او را می شنود و شخص او را می بیند.

پس تمام این اموری که ذکر شد در تحت اسباب و عللی است خفیه که اشخاصی که از این علوم و امور خفیه و صنایع بی بهره اند و از حقیقت آنها بی خبرند و نمی توانند مانند آنها را بیاورند و بسا خیال کنند که اینها معجزه است، لکن معجزه حقیقی نیست، بلکه معجزه حقیقی که فوق تمامی امور مذکوره است و به نحو بیست که دست احدی از بشر به آن نمی رسد.

معجزه به معنی اصطلاحی است، یعنی اصطلاح اهل دین و شرع، و آن قول یا فعلی

است که برخلاف طبیعت و عادت بشر باشد به نحوی که عقول همهٔ عقلاء را تکان می‌دهد و حتی افکار دانشمندان جهان را حیران می‌سازد و آن امری است که ظاهر می‌شود به قوه و قدرت کاملهٔ الهیته و کسی نمی‌تواند مانند آن را بیاورد و قدرت بر این امر را خداوند سبحان برای پیغمبر خود قرار داده است تا دلیل و نشانه بر صدق نبوتش باشد و چون چنین معجزه برخلاف عادت است آن را خارق عادت نیز می‌گویند و البته داشتن چنین معجزه‌ای برای پیغمبر خدا لازم است تا حجت بر خلق تمام گردد و به واسطهٔ این معجزه بصایق کنند مردم نبوت پیغمبر را و تمیز دهند مدعی راستگو را از مدعی دروغگو و اطاعت کنند و فرمانبرداری نمایند فرمایشات و دستورات پیغمبر را از جانب حضرت احدیت جل و الا تا یزید که از مهالک دنیا و آخرت نجات یابند و رستگار شوند پس معلوم شد که بایستی چنین امر خارق عادت از پیغمبر ظاهر شود.

یکی از بزرگان فرموده است: برهن قاطع بر ثبوت رسالت انبیاء علیهم السلام معجزه است «وَ هِيَ فِعْلٌ يَخْلُقُهُ اللَّهُ تَعَالَى خَارِقًا لِعَادَةِ عَالَمٍ يَا مَدْعَى النَّبُوءَةِ مُقْتَرِنًا بِدَعْوَاهُ» یعنی معجزه عبارت از فعل خارق عادت است که به امر خدای قادر توانا و ایجاد او سبحانه و تعالی بر دست مدعی پیغمبری ظاهر می‌شود و معجزه قاطع مقام قول خداوند عالمان است و مردم که این مدعی، رسول من است و من او را به این نشانه و علامت به سوی شما فرستاده‌ام برای هدایت و راهنمایی شما بندگانم. مثل: ای کافر هرگاه یک نفری در میان جماعت بسیاری در حضور سلطان قادر مطاع برخیزد و بگوید: یهالناس همه بدانید که من رسول این سلطانم به سوی شما و حکومت بر شما دارم و علامت صدق قول من این است که الان خود سلطان برمی‌خیزد و تاج سر خود را بر سر من می‌گذارد و این تاج گذاشتن بر سر من به منزلهٔ قول او است که بفرماید بلی تو رسول و فرستادهٔ منی، پس در آن هنگام مردم ببینند سلطان تاج خود را بر سر آن شخص گذاشت البته در این وقت تمامی مردم باید بفهمند که این شخص از جانب سلطان حکومت بر خلق دارد و بایستی هر چه او بگوید اطاعت کنند و گرنه مورد غضب سلطان واقع می‌شوند.

و شایسته است در این مقام ذکر شود بیان یک نفر از دانشمندان که فرموده است: اعجاز یعنی انجام دادن کاری که برخلاف موازین عادی و معمولی طبیعت است و از عالم غیب و ماوراء طبیعت سرچشمه می‌گیرد مثلاً هرگاه شخص نابینائی را یک پزشک در نتیجه مهارت و تخصص خود در اثر پیشرفت فن پزشکی و جراحی بینا کند این امر معجزه نیست زیرا این پزشک پس از سالها درس خواندن و تجربه آموختن با آلات و ابزار دقیق جراحی این کار را انجام داده است لیکن اگر شخصی که ادعای نبوت می‌کند بدون اینکه درسی خوانده و استادی دیده باشد و بدون بکار بردن آلات و ابزار فقط به وسیله توجه به خدا، استمداد از عالم ماوراء طبیعت نابینا را بینا کند این معجزه است، زیرا این کار برخلاف موازین عادی و جریان معمولی طبیعت است.

خلاصه مطلب در بحث معجزه دو شرط اساسی لازم است: یکی اینکه اعجاز به امر ممکن تعلق می‌گیرد.

دوم اعجاز همواره از نظام علل و معلق طبیعی خارج است انتها.
باجمله معنی لغوی و اصطلاحی معجزه در شد.

و اما فرق بین معجزه و کرامت

بدانکه مرحوم علامه ملا احمد بن محمد معروف به سندس ردبیلی المتوفی در نجف، ماه صفر ۹۹۳ در کتاب حدیقه الشیعه فرموده است معجزات کرامات نزد معتزله مخصوص پیغمبران است و در نزد متقدمین شیعه مخصوص پیغمبران اعیان و خلفاء ایشان است و نیز فرموده است که نزد اکثر قدماء شیعه و معتزله فرقی بین معجزه و کرامت نیست لکن به قول بسیاری اشاعره و متأخرین شیعه معجزه امری است خارق عادت که مقرون به دعوی نبوت باشد و کرامت مقرون به دعوی نبوت نیست.

حقیر گوید پس به عقیده متأخرین شیعه معلوم شد که امر خارق عادت اگر با تحدی باشد در اصطلاح معجزه اش می‌گویند و اگر بی تحدی باشد همان معجزه را کرامت گویند.

به عبارت آخری: معجزه و کرامت هر دو امری است الهی که هرگاه به وسیله بنده صالح خدا ظاهر شود بدون ادعا آن را کرامت گویند، و هرگاه توأم با ادعا باشد معجزه خوانند و آن دلیلی است الهی به جهت اتمام حجت بر مردم و اثبات مقام نبوت و امامت و خدای تعالی چنین می‌کند از باب لطف (لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَ يُحْيِيَ مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ) پس معجزه و خرق عادت که به وسیله انبیاء و اوصیاء ظاهر می‌شود اثری از آثار قدرت حق تعالی است و دلیل قاطعی است بر عظمت ذات اقدس او جل و علا. و به عبارت آخری: الْمُعْجَزَةُ هِيَ سِلَاحُ الْأَنْبِيَاءِ وَ عَلَامَةُ بَيِّنَةٌ بَيْنَ الْخَالِقِ وَ الْمَخْلُوقِ يُعْرَفُ بِهَا النَّبِيُّ وَ الْمُتَنَبِّيُّ.

بالجملة نام این کتاب را کرامات رضویه نهادیم نظر به اینکه این معجزات حضرت رضا علیه السلام عنایات و کرامات است از آن بزرگوار به متوسلین خود و نیز کراماتی است از خداوند سبحان جل شانہ. حجت خود، که چنین معجزات از وجود مقدسش بروز می‌نماید و دیگر آنکه نفس عمل کرامت است مثلاً خود شفا یافتن مریض کرامت است.

تذییل در بیان دو قسم است

امر اول: بدانکه هر چند خارق عادتی که در مقام تحدی نباشد کرامت است لکن مصنفین از علماء بزرگ تمام خوارق عادتاتی که از پیغمبر صلی الله علیه و آله و اوصیاء کرامش در غیر مقام تحدی در کتابهای خود ذکر کرده‌اند اطلاق معجزه بر آن کرده‌اند و گفته‌اند معجزات پیغمبر صلی الله علیه و آله معجزات امیرالمؤمنین علیه السلام و هکذا تا امام عصر عجل الله فرجه و لا مشاحه فی الاصطلاح.

امر دوم: بعضی فرموده‌اند کرامت بر دو قسم است: به اینکه کرامت اگر از پیغمبر و وصی پیغمبر باشد اختیار با خود ایشان است اگر اراده کند به اذن خدای تعالی می‌شود و اگر اراده نکند نمی‌شود، لیکن اولیای حق یعنی اشخاص برجسته در زهد و عبادت و آشنای با خدا کراماتی که از ایشان بروز کند غالباً در اختیار ایشان نیست.

مثلاً: درباره کسی دعای خیری کنند یا نفرینی نمایند ممکن است مستجاب شود یا گرسنه باشد از خدا طعام بخواهد طعام برای او برسد یا تشنه باشد آب بخواهد مانند (ام ایمن) آب برای او حاضر شود و ممکن است نشود و ظهور کرامت از ایشان علامت فضل و گرامی بودن ایشان است نزد پروردگار عالمیان.

امر سوّم: بدانکه معجزه به اعتباری بر سه قسم است «قولی و فعلی و ترکی».

اما قولی: مثل اخبار غیبیه‌ای که اهل بیت عصمت علیهم‌السلام فرموده‌اند و از وقایع گذشته و سوانح آینده جرده‌اند بلکه قوانین و احکامی ذکر کرده‌اند که اینک پس از گذشتن قرن‌ها به وسیله اسب و غیر ذلک بعض اسرار و حکمش بر بشر روشن و آشکار شده، و اما قرآن مجید معجزه باقیه پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است که تا قیامت خواهد بود و برای هیچ پیغمبری معجزه‌ای باقی نمانده مگر برای آن حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اعجاز قرآن مبارک هم نه فقط از جهت فصاحت و بلاغت است بلکه از جهت عدیده است که در این باب کتابها نوشته شده است و عقول حیران است.

و اما فعلی: مانند بیرون آمدن آب از میان انگستان آن حضرت و مرده زنده کردن و غیر ذلک.

و اما ترکی: مانند نسوزاندن آتش حضرت خلیل الرحمن علیه‌السلام را با مله‌هایی که دشمنان پیغمبر برای کشتن آن حضرت به زحمت تمام انجام دادند و معجزات فراوانستند پیغمبر خدا را بکشند. یا قضیه مأمون که شب با شمشیر برهنه بدن مبارک حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را به خیال خود ریزریز کرد، در صورتی که ابداً در بدن آن حضرت اثری نکرد چنانکه در جلاء العیون ذکر شده و اصل و مأخذ آن کتاب مهج الدعوات سید بن طاووس است و در آخر آن قضیه است که حضرت جواد علیه‌السلام حرزی را به جهت حفظ به ترتیبی به مأمون تعلیم فرمود که تاکنون معروف به حرز حضرت جواد علیه‌السلام است، و دوستان از آن بهره می‌برند؛ و نیز درباره حضرت رضا علیه‌السلام است که مأمون شبی سی نفر را فرستاد بدن آن حضرت را پاره پاره کنند چنانکه در عیون و در منتهی الآمال است.